

شناسایی موانع مشارکت والدین در امور مدارس مقطع ابتدایی شهر سمنان

زهره گوهری^۱؛ لاله جمشیدی^۲؛ علی اکبر امین بیدختی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۸/۰۷ / تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۱۸

صص ۱۶۲-۱۳۳

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی وضعیت موانع موجود بر سر راه مشارکت اولیاء در امور مدارس مقطع ابتدایی شهر سمنان انجام گردید و از نوع ترکیبی کمی - کیفی بود. ابزار گردآوری داده‌ها شامل تحلیل محتوای پژوهش‌های داخل و خارج کشور، انجام مصاحبه و پرسشنامه محقق ساخته بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه والدین (۱۵۰۰۰) نفر، معلمان (۵۰۰) نفر و مدیران (۵۰) نفر در مدارس ابتدایی شهر سمنان بود. در بخش کیفی با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند (قضاوتی) ۳۰ نفر مدیر، معلم و والدین به عنوان نمونه بخش کیفی پژوهش و در بخش کمی با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای به صورت در دسترس ۲۰ نفر مدیر، ۱۵۰ نفر معلم و ۲۰۰ نفر والدین به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. با توجه به ارزیابی نظرات آنان، از بین ۷۲ مورد از موانع مشارکت والدین، موانعی همچون "عدم شناخت اولیاء از اهداف و کارکردهای مدرسه"، "تغییرات سریع برنامه‌های درسی و آموزشی و عدم شناخت والدین و ناتوانی آنها در تطبیق با برنامه‌ها"، "کمبود وقت والدین، شاغل بودن، فاصله و درگیر بودن با کارهای روزمره"، "ساختار نظام آموزشی کشور"، "وضعیت نامناسب اقتصادی خانواده‌ها"، "عدم آگاهی والدین از پیامدها، نتایج احتمالی و فواید مترتب بر امر مشارکت در مدارس"، "عدم تبلیغات مناسب توسط رسانه‌های عمومی در ترویج فرهنگ مشارکت در مدارس"، به ترتیب از مهمترین موانع مشارکت والدین شناسایی شدند.

واژه‌های کلیدی: آموزش و پرورش؛ مشارکت والدین؛ موانع مشارکت و والدین

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

^۱ - کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی goharezohre@yahoo.com

^۲ - استادیار گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه سمنان (نویسنده مسئول) Laleh.Jamshidi@yahoo.com

^۳ - دانشیار گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه سمنان aliaminbeidokhti@yahoo.com

مقدمه

آموزش و پرورش امری است که از دیر باز جزو مهمترین و اساسی‌ترین ارکان هر جامعه‌ای بوده است. یکی از عوامل مهم پیشرفت و ترقی جوامع پیشرفته، آموزش و پرورش کارآمد و توانمند آن جوامع می‌باشد. در دنیای امروز که رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع در گرو گسترش جهان شمول و سریع علم و فناوری‌های نوین است، نظام‌های آموزش و پرورش از اهمیت فراوانی برخوردار گردیده‌اند. بدون شک همه جوامع بشری برای دستیابی به اهداف اجتماعی خویش نیازمند مشارکت اعضای آن هستند. مشارکت را فرایندی توانمندساز خوانده‌اند که موجب تحرک بخشی منابع محلی، به کارگیری گروه‌های متنوع اجتماعی در تصمیم‌گیری، درگیری مردم محلی در تعریف مشکلات، جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات و اجرای پروژه‌ها می‌شود (افضل خانی و عبدی پاکروان، ۱۳۹۲). یکی از ویژگی‌های مهم جوامع انسانی برتر، وجود پدیده‌ی مشارکت در بین افراد، نهادها و سازمان‌های آن جوامع است. مشارکت نوعی احساس همبستگی و تعلق و تلاش دسته جمعی میان افراد یک جامعه به منظور نیل به نظام عادلانه‌ی اجتماعی است.

نظام آموزش و پرورش به عنوان مهم‌ترین و حساس‌ترین زیرنظام اجتماعی نیازمند مشارکت فعال اعضای جامعه به ویژه اولیاء می‌باشد. تافلر آموزش و پرورش قرن بیست و یکم را آموزش و پرورش مبتنی بر دانایی و قوه تفکر می‌داند. گفتنی است که وی بر ضرورت مشارکت در امر آموزش و پرورش در آینده تأکید دارد و می‌گوید، هرگز در طول تاریخ مثل امروز و آینده موضوع ارتباط و مشارکت در امر آموزش و پرورش دارای اهمیت نبوده است. بر همین اساس است که بسیاری از پژوهشگران متوجه این حوزه خطیر و گسترده شده‌اند و در جهت رشد و اعتلای امر مهم آموزش و پرورش به بررسی عوامل مؤثر بر آن پرداخته‌اند. یکی از این عوامل مهم و اثرگذار، مشارکت است. موضوع مشارکت و چگونگی تحقق آن، ریشه در تاریخ دیرینه‌ی ملت‌ها دارد و جوانبی از آموزش و پرورش بسیاری از کشورها، از جمله آموزش و پرورش کشور ما نیز بر پایه‌ی آن استوار بوده است. امروزه این مفهوم اهمیت دو چندانی پیدا کرده است و مشارکت در عرصه‌های گوناگون همواره مورد بحث بسیاری از اندیشمندان به ویژه در زمینه‌ی مدیریت و آموزش و پرورش قرار گرفته است (جهانبیان، ۱۳۸۸).

مدارس یکی از نهادهای مهم آموزشی و تربیتی جامعه هستند که نیازمند مشارکت فعال همه به خصوص خانواده‌ها می‌باشند. مشارکت جدی خانواده و مدرسه همواره مورد توجه متخصصان امر آموزش و پرورش و خانواده‌ها بوده است، اما گاهی مواقع عدم شناخت اولیاء از اهداف و کارکردهای مدرسه باعث می‌گردد ارتباط و همکاری بین خانواده و مدرسه به درستی صورت نپذیرد. پژوهش‌ها نشان داده است هر قدر والدین در مسائل مدرسه فرزندان‌شان بیشتر مشارکت کنند، پیشرفت تحصیلی کودک افزایش می‌یابد. بنابراین تقویت مشارکت خانواده و مدرسه از پیش نیازهای یک برنامه‌ی مؤثر است که باید مورد توجه قرار گیرد. به نظر دسیمون (۱۹۹۲) اگر خانواده‌ها متوجه شوند که چگونه ارتباطات خانواده بر یادگیری

فرزندان اثرگذار است، آن وقت به برنامه‌هایی برای رشد بهتر فرزندان خویش می‌اندیشند و راهکارهایی را برمی‌گزینند تا از طریق ارتباط خانواده با مدرسه، آموزگار درک بهتری از شاگرد پیدا کند و در نتیجه احساس مسئولیت بیشتری در قبال او داشته باشد. از طرفی دیگر دانش‌آموز هم انگیزه بیشتری برای مدرسه رفتن پیدا می‌کند که این امر خود می‌تواند منجر به افزایش یادگیری شود (بهبودی، ۱۳۸۷).

یکی از راهبردهای اصولی برای مقابله نظام آموزشی با چالش‌های احتمالی جهانی شدن، بازتعریف اهداف، طراحی و تعریف مجدد برنامه‌ها با نگرش سیستمی است. یکی از سازوکارهای ضروری در برنامه‌های سیستمی، برنامه جامع جلب و جذب مشارکت والدین در فرایند تصمیم‌گیری، اجرا، ارزشیابی و اصلاح فعالیت‌ها و برنامه‌های نظام آموزشی کشور است. از آنجا که والدین، انگیزه بالایی برای پیشرفت علمی، تحصیلی و نیز تربیت اخلاقی، اجتماعی و حرفه‌آموزی به فرزندان خود دارند، اگر زمینه و بستر مناسبی برای جلب و جذب توانمندی‌های آنان فراهم شود، مطمئناً از همکاری با سیستم آموزشی مضایقه نخواهند کرد. به نظر می‌رسد در نظام کنونی آموزش و پرورش، سازوکارهای جلب و جذب مشارکت‌های علمی و تخصصی والدین به شکل نظام‌مند وجود ندارد و هر جا سخن از مشارکت اولیاء و مربیان به میان می‌آید، ذهن مخاطب، ناخودآگاه به سمت مشارکت مالی آنها معطوف می‌شود و سایر ابعاد مشارکت، شاید نزد مسئولان و برنامه‌ریزان تعلیم و تربیت هم مغفول واقع شده است (شورای طرح و برنامه دفتر جذب مشارکت‌های اولیاء، ۱۳۸۳).

کودکان زمانی می‌توانند مسیری مطلوب و ثمربخش را طی کنند که قرار گرفتن آنها در محیط خانه و مدرسه در جهت رسیدن به یک مقصد باشد. برای دانش‌آموزان، خانه و مدرسه مشابه و مکمل یکدیگرند و رابطه خانه و مدرسه همچون جسم و جان درهم تنیده شده است، به طوری که هر گونه ضعف و سستی در هر یک از آنها، به سختی بر دیگری تأثیر می‌گذارد و بر عکس سلامت روانی و اجتماعی هر کدام، تضمین‌گر سلامت وجود دیگری است. زمانی که نحوه تعامل این دو نهاد با دانش‌آموز یکسان باشد (از جهت مثبت) و انتظارات واحدی از او داشته باشند، سیر تربیت از ثبات و استحکام لازم برخوردار خواهد شد (امیر احمدی آهنگ، ۱۳۸۸). در این میان مشارکت والدین در آموزش و پرورش، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. شرکت دادن اولیاء در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با آموزش و پرورش، خصوصاً جنبه‌هایی که به کار یا سرنوشت فرزندان آنان مربوط است، سبب ایجاد انگیزه و علاقه‌مندی آنان به اداره امور مدارس شده و احساس تعهد آنان را نسبت به آن، افزایش می‌بخشد (بیزدخواستی و عباس زاده، ۱۳۸۶).

بچه‌ها دانش اصلی و پایه و مهارت‌ها، نگرش‌ها و عادات مربوط به رشد خود را در خانه کسب می‌کنند. بنابراین، خانواده‌ها اولین نهاد مسئول در رابطه با رشد و توسعه تحصیلی کودکان هستند. سایر مؤسسات آموزشی مانند پیش‌دبستانی‌ها و مدارس در واقع از خانواده برای آماده کردن کودکان

جهت زندگی اجتماعی حمایت می‌کنند (جوکالپ، مورات، برات، یاسر، منتیس و سبیت^۱، ۲۰۱۰). مشارکت والدین در امر آموزش و پرورش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین از مدت‌ها پیش مورد توجه اندیشمندان و پژوهشگران زیادی قرار گرفته است. تاریخ مطالعات نشان داده است که دو مفهوم مشارکت والدین و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان با هم رابطه مثبت دارند. زنگ و کاراس گوآیلو^۲ در سال ۱۹۹۵ طی انجام پژوهش‌هایی به این نتیجه رسیدند، زمانی که کودکان از توجه والدینی شایسته برخوردار می‌گردند و از رقابتی طبیعی و معتدل در محیط خانواده لذت می‌برند، یادگیری آنها در مراحل بعدی رشد تسهیل می‌گردد (واحدی و نیک دل، ۲۰۱۱).

برلاوه‌ندرسن^۳ (۱۹۹۵) عنوان کردند که مشارکت مؤثر والدین در فعالیت‌های متفاوت مدارس در پیشرفت تحصیلی، ایجاد انگیزه‌ها و رفتارهای مثبت، مؤثر است و رفتارهای ضد اجتماعی را کاهش می‌دهد و دانش‌آموزان را برای ادامه تحصیل بعد از دبیرستان تشویق می‌کند (واحدی، ۲۰۱۰). در پژوهشی که یزدخواستی و عباس‌زاده (۱۳۸۶) تحت عنوان بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت والدین دانش‌آموزان در امور مدرسه‌ای دانش‌آموزان مقطع متوسطه استان آذربایجان شرقی انجام دادند به این نتیجه دست یافتند که میزان مشارکت والدین بیش از هر متغیر دیگری، از عوامل روانی تأثیر پذیرفته است و بعد از آن به ترتیب متغیرهای ساختاری، درآمد، عامل رسانه‌ای و سن بر میزان مشارکت تأثیرگذار بوده‌اند. "دیدید سلیز" ضمن پیچیده دانستن پدیده مشارکت که به تعداد زیادی از متغیرهای فردی و اجتماعی بستگی دارد به نقش تعیین کننده نیروهای اجتماعی مثل منزلت، آموزش و تعلیم و تربیت و مانند آن و همچنین تفاوت‌های شخصیتی و محیط‌های اجتماعی شامل نهادها و ساختارهای اجتماعی، الگوی باورها، اعتقادات و ارزش‌های سیاسی و فرهنگی در مشارکت تأکید دارد. این سه گروه از متغیرها به شدت مرتبط به هم و آمیخته هستند و هر تغییری در هر یک از آنها مشارکت را افزایش یا کاهش می‌دهد. از نظر سلیز هر تحلیلی که فقط بر اساس یکی از این مقوله‌های سه‌گانه و یا متغیرهای جزئی باشد، ناقص و گمراه کننده است (جهانپان، ۱۳۸۸).

پژوهشی در زمینه بررسی انتظارات اولیاء از مدرسه، این نتیجه را به دست داد که با اینکه ۸۶ درصد از اولیاء تمایل دارند که از وضعیت تحصیلی فرزند خود، برنامه‌ها و روش‌های آموزشی اطلاع پیدا کنند، اما اطلاعاتی را که در رابطه با مسائل فوق از مدرسه دریافت می‌نمایند ناکافی می‌بینند و در واقع اطلاعات پراکنده شفاهی از افراد مختلف، مهمترین منبع اطلاعاتی آنها است. زمانی که از اولیاء سؤال شد، از چه راهی می‌توان همکاری خانه و مدرسه را تقویت نمود و مهمترین انتظار آنان از مدرسه چیست، در درجه

1. Gökalp , Murat ; Barut , Yasar and Mentese , Sabit

2. Zang and Carrasquillo

3. Henderson andberla, 1995

اول به آموزش اولیاء و سپس به بهبود کیفیت ارتباطات در داخل مدرسه به ویژه برخورد کادر آموزشی با والدین دانش‌آموزان اشاره داشته‌اند (بازرگان، ۱۳۷۴).

بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که در حال حاضر مشارکت اولیای دانش‌آموزان در امور مدارس بسیار محدود است و این امر مشکلاتی را بر سر راه مدارس جهت تحقق اهدافشان ایجاد نموده است. در پژوهشی با عنوان مشارکت والدین در فعالیتهای مرتبط با مدارس که توسط دهینگرا، منهاس و سیتی^۱ در سال ۲۰۰۷ انجام شد این نتیجه به دست آمد که مشارکت والدین در مدارس محدود بود و فقط تعداد خیلی کمی از آنها عضو انجمن اولیاء و مربیان بودند. ایوان رساس (۲۰۰۹) در یک مطالعه موردی، درآمد پایین و شرایط بد اقتصادی والدین، تفاوت‌های زبانی و فرهنگی والدین، دیدگاه منفی معلمان نسبت به فرهنگ و صلاحیت والدین و غیره را از جمله موانع مشارکت اولیاء برشمرده است.

اگرچه مشارکت والدین در مدارس، بسیار اهمیت دارد اما همواره با مشکلات و موانعی روبرو بوده است. بعضی معتقدند، این مشکلات به ساختارهای نظام آموزشی کشور برمی‌گردد و برخی دیگر عدم آگاهی خانواده‌ها از فواید مشارکت در امر آموزش، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، اعتماد، توانایی برای کنش‌های مشارکتی، رضایت، انسجام اجتماعی و شکاف‌های اجتماعی را در کاهش مشارکت مؤثر می‌دانند. در بسیاری از موارد مشارکت در مدرسه، کمک مالی خانواده‌ها (والدین دانش‌آموزان) تلقی می‌شود که این مسأله باعث نگرانی‌های زیادی در بین خانواده‌ها شده است (زنجانی‌زاده، دانائی سیج و سلیمی‌نژاد، ۱۳۹۰). ایوان رساس^۲ (۲۰۰۹) در پژوهش خود مواردی چون درآمد پایین و شرایط بد اقتصادی والدین، تفاوت‌های زبانی و فرهنگی والدین و دیدگاه منفی معلمان نسبت به فرهنگ و صلاحیت والدین را از جمله موانع مشارکت والدین برشمرده است.

یکی از مشخصه‌های مدارس موفق استفاده حداکثری از مشارکت والدین است. به همین دلیل است که در کشورهای توسعه یافته، همکاری میان خانه و مدرسه به صورتی منسجم درآمد و این دو نهاد، مسئولیت مشترک خویش، یعنی تربیت فرزندان جامعه را با همفکری، همکاری و هماهنگی انجام می‌دهند. به طور کلی سهیم کردن خانواده‌ها در آموزش و پرورش موجب افزایش اطلاعات و آگاهی افراد، گسترش مشارکت در سایر زمینه‌های اجتماعی، افزایش احساس همبستگی با سایر والدین، احساس یگانگی بیشتر با سازمان، افزایش اعتماد افراد به سازمان‌ها، کاهش هزینه‌های فردی و سازمانی و افزایش اثربخشی سازمانی خواهد شد. مشارکت جمعی کلیه افراد در امور مدرسه نوعی گسترش دموکراسی و مردم‌سالاری را نیز موجب می‌گردد و هنگامی که والدین در آموزش فرزندان‌شان شرکت کنند، نگرش‌ها، رفتارها و وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان تقویت می‌شود (زنجانی‌زاده، دانائی سیج و سلیمی‌نژاد، ۱۳۹۰).

^۱. Dhingra, Manhasand Sethi, 2007

^۲. Ivan Rosas, 2009

به طور کلی موانع مشارکت والدین در امور مدارس کشور را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

(۱) موانع فکری و نگرشی: یکی از عمده موانع مشارکت در کشور ما، ناشی از کاستی در اندیشه‌هاست. عدم احاطه و تسلط فکری، نبود اندیشه‌های ورزیده، وسیع و عمیق فلسفی و فکری در باب ابعاد و جوانب مختلف موضوع تعلیم و تربیت و نیز اداره سیستم‌های آموزشی، در میان سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مدیران نظام‌های آموزشی، هم چنین نبود نگرش و باور نسبت به مزایا و محاسن شرکت و مداخله اندیشه‌ها و تفکرات افرادی بیرون از پست‌های رسمی و اداری سیستم آموزش و پرورش (والدین)، این نظام را در محاق تصمیم شمار معدودی از تصمیم‌گیران خاص که در مرکز این سیستم متمرکز قرار دارند، نگه داشته، آن را از نعمت وجود پتانسیل علمی، فکری و تخصصی والدین با انگیزه و متعهد نسبت به آموزش و تربیت فرزندان خود، محروم ساخته است.

(۲) موانع ساختاری: نظام آموزشی کشور ما، نظامی است متمرکز، بدین معنا که سیاست‌گذاری‌ها و اتخاذ تصمیمات آموزشی و تربیتی، توسط گروهی کارشناس و خبره که اکثر آنها صاحب‌نظران تعلیم و تربیت و فرهنگ نیز می‌باشند، انجام می‌گیرد و سپس این تصمیمات به سازمان‌های آموزشی استان‌ها، برای اجرا، ابلاغ می‌گردد. از جمله اقداماتی که به گسترش مشارکت می‌انجامد، رفع کاستی‌های ناشی از سیاست‌گذاری‌های کلان اداری و آموزشی و نیز اصلاح قوانین و مقررات فعلی، در راستای قبول و پذیرش والدین در نظام آموزشی است.

(۳) موانع مربوط به منابع انسانی: نیازها و ضرورت‌های فرهنگی، آموزشی و تربیتی جامعه کنونی، کسب شایستگی‌های علمی، حرفه‌ای و تخصصی بیشتری را برای مدیران رده‌های بالایی، میانی و اجرایی، ضروری و اجتناب ناپذیر ساخته است. مدیران نظام آموزشی در کنار تعهد و احساس مسئولیت بالا، وجدان دینی و کاری قابل تحسین، لازم است با علوم اداری و جامعه‌شناسی سازمانی نیز آشنایی پیدا کرده، حتی در آنها تسلط کافی کسب نمایند. امروز سخن از مدیران اثربخش است و از مهمترین ویژگی‌های مدیران اثربخش خلاقیت، نوآوری و تحول‌پذیری این گروه از مدیران و نیز انتخاب و اعمال شیوه‌های مشورتی و مشارکتی برای تصمیم‌گیری‌ها و اجرای امور در سازمان متبوع خود است. هر زمانی که مدیری از خود انعطاف و شایستگی برای عمل مشارکتی نشان داده است، بدون توجه به سایر موانع، کارها نسبتاً پیش رفته است. از موانع دیگر مشارکت، می‌توان به اعتماد ناکافی مدیران آموزشی نسبت به مردم، به ویژه صاحب‌نظران و متخصصان تعلیم و تربیت و اهل فن، کاستی در عملکردهای درونی و بیرونی آموزش و پرورش، برنامه‌ها و اهداف آن، نابسامانی و موازی‌کاری در واحدهای اداری ذی ربط برای جلب مشارکت والدین نظیر برنامه‌های سازمان انجمن اولیا و مربیان، سازمان توسعه و نوسازی مدارس، معاونت مشارکت‌های مردمی وزیر و...، تخصیص بودجه و منابع ناکافی به فعالیت‌ها و برنامه‌های آموزشی و تربیتی، بی‌توجهی و عدم توانایی مدیران

در بهره‌برداری از پتانسیل‌های سازمان‌های غیردولتی و ضعف در اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی به افراد جامعه اشاره نمود (شورای طرح و برنامه دفتر جذب مشارکت‌های اولیا، ۱۳۸۳).

موفقیت در تعلیم و تربیت بدون مشارکت خانواده‌ها در زمینه‌های مختلف امکان‌پذیر نیست. زمانی فرزندان ما به اهداف عالی تربیتی و آموزشی دست خواهند یافت که هر دو نهاد خانه و مدرسه احساس مسئولیت کرده، نسبت به وظایف خود هماهنگ عمل کنند و در تربیت دانش‌آموزان روش‌های یکسانی به کار گیرند (کاظمی کرد آسیایی، ۱۳۸۱). پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه ارتباط اولیا با مدارس و مشارکت آنها در امور تحصیلی فرزندانشان، نشان داده است که مشارکت‌های والدین دانش‌آموزان در مدارس همواره با مشکلاتی مواجه بوده و بنا به دلایلی از جمله عدم آگاهی و شناخت والدین، برخورد نامناسب مسئولین مدارس، عدم توانایی معلمان در جلب مشارکت والدین و سایر مسائل اقتصادی، فرهنگی و... مؤثر و مفید واقع نگردیده است. عدم برخورداری والدین از مهارت و تجربه لازم جهت مشارکت در امور مدرسه و عدم آگاهی با نحوه مشارکت مؤثر یکی از موانع و مشکلات عمده‌ای است که در این زمینه وجود دارد و در تحقیقات مختلف به آن اشاره شده است. بنابراین یکی از راه‌های ممکن، برای دستیابی به هدف مهم افزایش ارتباط اولیا با معلمان و مربیان و مشارکت هرچه بیشتر آنان در امور مدارس که به رشد بیشتر تعلیم و تربیت و هماهنگ‌سازی آن با تغییرات پرشتاب جامعه منجر می‌شود، این می‌تواند باشد که پژوهشگران و مسئولین امر به بررسی و شناسایی موانع موجود اثرگذار در امر مشارکت والدین پرداخته تا از این طریق بتوانند با حذف این موانع، زمینه مشارکت حداکثری والدین در مدارس را فراهم آورند.

بدیهی است که رشد و توسعه‌ی آموزش و پرورش در هر جامعه‌ای مستلزم شناسایی و از میان برداشتن موانعی است که بر سر راه مشارکت مردم و والدین در این امر مهم و حساس وجود دارد. با اذعان به این نکته که دانش‌آموزان بخش عمده‌ای از زمان خود را در خانه سپری می‌کنند و فرآیند یاددهی - یادگیری آنها در خانه تکمیل می‌شود، بنابراین نیاز است والدین و مدارس مشارکت بیشتر و بهینه‌تری داشته باشند تا با مشارکت بهینه آموزش و پرورش قادر باشد که در راستای توسعه کشور، گام‌های مهمتر و ارزشمندتری بردارد. در حال حاضر عوامل مختلفی به عنوان موانع مشارکت والدین در مدارس به حساب می‌آیند. در راستای اهمیت و ضرورت تلاش برای شناسایی این موانع در مدارس کشور از جمله مدارس شهر سمنان در جهت مرتفع نمودن آنها و افزایش مشارکت مؤثر اولیا در مدارس برای رسیدن به رشد و توسعه‌ی امر آموزش و پرورش طی این پژوهش درصدد برآمدیم تا به پاسخگویی به دو سؤال کیفی و کمی زیر در این رابطه بپردازیم:

موانع مشارکت والدین در مدارس سمنان شامل چه مواردی است؟

وضعیت موانع مشارکت والدین در مدارس سمنان چگونه است؟

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر نوع پژوهش، ترکیبی کمی - کیفی است که بخش کمی آن توصیفی - پیمایشی و بخش کیفی آن از نوع تحلیل محتوا می‌باشد. به منظور تحقق اهداف پژوهش، ابتدا از رویکرد کیفی و سپس از رویکرد کمی استفاده شده است، لذا این پژوهش در زمره طرح‌های با روش تحقیق آمیخته اکتشافی قرار می‌گیرد. طرح اکتشافی اغلب شامل دو مدل الف) مدل تدوین ابزار و ب) مدل ایجاد گونه‌شناسی است که مدل تدوین ابزار در پژوهش حاضر مورد تأکید بود. به این منظور ابتدا به گردآوری و تحلیل داده‌های کیفی و توصیف جنبه‌های مختلف پدیده پرداختیم. در ادامه کار با شناسایی مؤلفه‌های اصلی ابزار پژوهش را تدوین کردیم سپس از طریق گردآوری داده‌های کمی با بهره‌گیری از ابزار تدوین شده، یافته‌های مرحله کیفی را در مقیاس وسیع مورد آزمون قرار دادیم.

علاوه بر آن، در این پژوهش در توالی گردآوری داده‌ها، ابتدا داده‌های کیفی و سپس داده‌های کمی گردآوری گردید. در این پژوهش ابتدا با رویکرد کیفی و سپس با رویکرد کمی به سؤالات پژوهش، پاسخ داده شد. ابتدا در بخش کیفی پژوهش، جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از مطالعه تحلیل محتوای پژوهش‌های داخل و خارج کشور و انجام مصاحبه‌هایی با مدیران، معلمان و والدین دانش‌آموزان صورت گرفت، سپس در بخش کمی پژوهش، با استفاده از موارد و اطلاعات به دست آمده از مطالعه تحلیل محتوا و مصاحبه، پرسشنامه‌ای در زمینه موانع موجود بر سر راه مشارکت والدین در مدارس ساخته شد که در میان افراد نمونه تحقیق که شامل معلمان، مدیران و والدین می‌باشند توزیع و جمع‌آوری گردید.

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه والدین (۱۵۰۰۰) نفر، معلمان (۵۰۰) نفر و مدیران (۵۰) نفر در مدارس ابتدایی شهر سمنان بود. از روش نمونه‌گیری ترکیبی همزمان استفاده شد، یعنی ترکیب هر دو شیوه نمونه‌گیری کمی و کیفی که هر دو بعد احتمالی و هدفمندبودن نمونه در نظر گرفته شده است. هدف محقق از انتخاب این نوع نمونه‌گیری، به دست آوردن داده‌های ترکیبی برای به حداکثر رساندن درک و شناخت از پدیده مورد مطالعه بود. در واقع بکارگیری جهت‌گیری احتمالی - هدفمندی به محقق روش ترکیبی اجازه می‌دهد تا پایگاهی از داده‌های مکملی کمی و کیفی ایجاد کند که هم عمق و هم گستره پدیده مورد مطالعه را در نظر گرفته باشد (محمدپور، صادقی و رضایی، ۱۳۸۸).

در بخش نمونه‌گیری کمی از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای - تصادفی و در بخش کیفی از روش نمونه‌گیری هدفمند (قضای) در دسترس استفاده شد. در بخش کیفی ۳۰ نفر مدیر، معلم و والدین جهت انجام مصاحبه انتخاب شدند و تعداد افراد نمونه در بخش کمی شامل ۲۰ نفر مدیر، ۱۵۰ نفر معلم و ۲۰ نفر والدین بود. جمع‌آوری داده‌ها نیز با استفاده از روش‌های کمی و کیفی به طور همزمان شامل مصاحبه، پرسشنامه، بررسی اسناد و مدارک انجام گردید. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه‌ای محقق ساخته با ۷۲ سؤال چهار گزینه‌ای بود که با استفاده از مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت تهیه گردید. روایی پرسشنامه بر اساس مبانی نظری، تحقیقات انجام شده و دیدگاه صاحب‌نظران بررسی شد. همچنین پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ محاسبه و ضریب پایایی ۰/۹۶۲. به دست آمد. به منظور بررسی نرمال بودن توزیع موانع مشارکت از آزمون کولموگوروف - اسمیرنوف (KS) استفاده شد. سپس برای مقایسه میانگین نمونه و جامعه در موانع مشارکت از آزمون t تک نمونه‌ای و برای اولویت‌بندی موانع مشارکت از آزمون فریدمن استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش به دو سؤال اصلی کیفی و کمی پاسخ داده شده است. سؤال کیفی مورد بررسی در این مقاله عبارت است از "موانع مشارکت والدین در مدارس سمنان شامل چه مواردی است؟". برای پاسخگویی به این سؤال در بخش کیفی پژوهش به شناسایی موانع مشارکت والدین در امور مدارس ابتدایی شهر سمنان از طریق تحلیل محتوای پژوهش‌های انجام شده در این زمینه و انجام مصاحبه با مدیران، معلمان و والدین دانش‌آموزان پرداخته شده است و ۷۲ مانع شناسایی شد و پرسشنامه‌ای با توجه به نتایج به دست آمده در بخش کیفی پژوهش تهیه گردید، سپس با استفاده از آزمون ضریب آلفای کرونباخ پایایی ابزار مورد سنجش قرار گرفت. از آنجایی که آلفای کرونباخ به دست آمده در مورد موانع مشارکت (۰/۹۶۲) بزرگتر از ۰/۷ بود آزمون از پایایی قابل قبولی برخوردار بود و از این ابزار برای پاسخ به سؤال کمی پژوهش یعنی "وضعیت موانع مشارکت والدین در مدارس سمنان چگونه است؟" استفاده شد. نرمال بودن توزیع موانع مشارکت از طریق آزمون کولموگوروف - اسمیرنوف (KS) مورد آزمون قرار گرفت. سطح معناداری به دست آمده از آزمون ۰/۳۱۲ و بالاتر از مقدار بحرانی ۰/۰۵ بود. بنابراین فرض صفر رد نمی‌شود و توزیع داده‌ها نرمال است. به منظور پاسخگویی به سؤال کمی پژوهش از آزمون t تک نمونه‌ای جهت مقایسه میانگین نمونه و جامعه در موانع

مشارکت و از آزمون فریدمن جهت اولویت‌بندی موانع مشارکت استفاده گردید که نتایج به دست آمده در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۱: آزمون t تک نمونه‌ای برای مقایسه میانگین نمونه و جامعه و آزمون فریدمن برای اولویت‌بندی موانع مشارکت

نتایج آزمون فریدمن		مقدار آزمون = ۵/۲				موانع مشارکت
اولویت بندی متغیرها	میانگین رتبه هر متغیر	میانگین	سطح معناداری (دودامنه)	درجه آزادی	T	
اول	۴۲/۷۹	۲/۹۲۵۰	۰/۰۰۰	۳۵۹	۹/۶۹۳	۱) عدم شناخت اولیاء از اهداف و کارکردهای مدرسه
پنجاه و هفتم	۳۳/۷۷	۲/۵۶۵۳	۰/۱۵۰	۳۵۹	۱/۴۴۴	۲) مشارکت ندادن والدین در تصمیم‌گیری‌های مدرسه
دوازدهم	۴۰/۲۹	۲/۸۴۰۳	۰/۰۰۰	۳۵۹	۷/۱۹۵	۳) عدم شناخت و تفهیم انتظارات والدین از مدرسه و مدرسه از والدین
سوم	۴۲/۱۳	۲/۹۱۲۵	۰/۰۰۰	۳۵۹	۹/۰۱۷	۴) کمبود وقت والدین، شاغل بودن، فاصله و درگیر بودن با کارهای روزمره
بیست و پنجم	۳۸/۳۶	۲/۷۳۶۱	۰/۰۰۰	۳۵۹	۵/۰۰۷	۵) نگرش و خود کم بینی والدین به خصوص در طبقات اجتماعی - اقتصادی پایین مبنی بر غیر مؤثر و کم رنگ بودن نقش آنان در امور تحصیلی فرزندان
بیست و سوم	۳۸/۵۹	۲/۷۶۱۱	۰/۰۰۰	۳۵۹	۵/۶۶۶	۶) عدم تمایل والدین به مشارکت در امور مدرسه و عدم مراجعه آنها به مدرسه و اطلاع از امور تحصیلی
پنجاه و پنجم	۳۴/۰۴	۲/۵۶۶۷	۰/۱۸۰	۳۵۹	۱/۳۴۲	۷) ناکافی بودن ارائه اطلاعات عینی درباره وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان و کمبودها و کاستی‌های مدرسه توسط مسئولین مدرسه به والدین

ادامه‌ی جدول ۱: آزمون t تک نمونه‌ای برای مقایسه میانگین نمونه و جامعه و آزمون فریدمن
برای اولویت بندی موانع مشارکت

نتایج آزمون فریدمن		مقدار آزمون = ۵/۲				موانع مشارکت
اولویت بندی متغیرها	میانگین رتبه هر متغیر	میانگین	سطح معناداری (دودامنه)	درجه آزادی	T	
سی و چهارم	۳۶/۹۱	۲/۶۸۶۱	۰/۰۰۰	۳۵۹	۴/۱۶۵	۸) عدم آموزش (آموزش کاربردی) و آگاهی بخشی والدین در رابطه با مشارکت و ارتباط مؤثر با مدرسه و اداره جلسات
شصت و نهم	۲۴/۴۵	۲/۱۲۲۲	۰/۰۰۰	۳۵۹	-۷/۰۶۹	۹) برخورد ناصحیح کادر آموزشی و مسئولین مدرسه با والدین
شصت و هشتم	۲۵/۱۸	۲/۱۵۶۹	۰/۰۰۰	۳۵۹	-۶/۵۶۵	۱۰) پیشداوری و نگرش منفی و برخورد بد معلمان با والدین بی سواد و مقصر دانستن آنان در شکست‌های تحصیلی و تربیتی دانش‌آموزان
شصت و دوم	۳۱/۴۴	۲/۴۵۰۰	۰/۳۱۶	۳۵۹	-۱/۰۰۴	۱۱) پایین‌تر بودن سطح تحصیلات والدین نسبت به معلمان و بالعکس
شصت و چهارم	۳۰/۶۰	۲/۴۰۱۴	۰/۰۴۸	۳۵۹	-۱/۹۸۱	۱۲) برگزاری جلسات مدرسه برای اولیا در محیطی خشک و رسمی که اولیا هیچ نقشی در تنظیم محتوای آن نداشته و متناسب با نیازها و انتظارات آنان نمی‌باشد
شصت و هشتم	۳۰/۰۱	۲/۳۹۰۳	۰/۰۳۵	۳۵۹	-۲/۱۱۳	۱۳) عدم حضور معلمان در جلسات اولیا و مربیان
سی ام	۳۷/۲۹	۲/۷۲۳۶	۰/۰۰۰	۳۵۹	۴/۷۸۱	۱۴) شرایط و بینش‌های فرهنگی اجتماعی والدین نسبت به تحصیل

ادامه‌ی جدول ۱: آزمون t تک نمونه‌ای برای مقایسه میانگین نمونه و جامعه و آزمون فریدمن

برای اولویت بندی موانع مشارکت

نتایج آزمون فریدمن		مقدار آزمون = ۵/۲				موانع مشارکت
اولویت بندی متغیرها	میانگین رتبه هر متغیر	میانگین	سطح معناداری (دودامنه)	درجه آزادی	T	
شصت و هفتم	۲۸/۹۶	۲/۳۳۴۷	۰/۰۰۱	۳۵۹	-۳/۲۰۴	۱۵) تجربیات قبلی و ذهنیت منفی والدین نسبت به مدرسه
چهل و نهم	۳۵/۲۲	۲/۶۱۱۱	۰/۰۲۳	۳۵۹	۲/۲۷۶	۱۶) عدم برخورداری والدین از مهارت و تجربه لازم جهت مشارکت در امور مدرسه و عدم آگاهی با نحوه مشارکت مؤثر
شصت و یکم	۳۲/۸۰	۲/۵۲۳۶	۰/۰۶۲۰	۳۵۹	۰/۴۹۷	۱۷) تفاوت بین نگرش، فرهنگ، زبان، جنسیت و ... والدین و معلمان و درک متقابل مشارکت
پنجاه و هشتم	۳۳/۶۶	۲/۵۵۴۲	۰/۲۳۴	۳۵۹	۱/۱۹۱	۱۸) عدم تواناسازی والدین در جهت مشارکت در امور مدارس
پنجاه و چهارم	۳۴/۱۶	۲/۵۶۹۴	۰/۱۴۸	۳۵۹	۱/۴۴۹	۱۹) نبود فضای مناسب و زمان مناسب جهت پذیرش اولیا در مدرسه به نحو مطلوب و مؤثر
پنجاه و نهم	۳۳/۳۷	۲/۵۵۲۸	۰/۲۴۱	۳۵۹	۱/۱۷۴	۲۰) کمبود تحقیقات لازم در زمینه نحوه اداره جلسات، محتوای برنامه‌ها، ارزشیابی و روش‌های نوین ارتباط و مشارکت اولیا و مربیان
شصت و سوم	۳۱/۴۲	۲/۴۷۳۶	۰/۵۷۸	۳۵۹	-۰/۵۵۶	۲۱) نبود یک رابط و میانجی بین والدین و مسئولین مدرسه
پنجاه و دوم	۳۴/۶۶	۲/۶۰۵۶	۰/۰۲۹	۳۵۹	۲/۱۸۹	۲۲) موانع مربوط به آموزش و پرورش و نگرش مسئولان نسبت به مشارکت
نوزدهم	۳۹/۲۶	۲/۷۸۶۱	۰/۰۰۰	۳۵۹	۵/۹۵۸	۲۳) نهادینه نشدن فرهنگ مشارکت

ادامه‌ی جدول ۱: آزمون t تک نمونه‌ای برای مقایسه میانگین نمونه و جامعه و آزمون فریدمن

برای اولویت بندی موانع مشارکت

نتایج آزمون فریدمن		مقدار آزمون = ۵/۲				موانع مشارکت
اولویت بندی متغیرها	میانگین رتبه هر متغیر	میانگین	سطح معناداری (دودامنه)	درجه آزادی	T	
سی و هشتم	۳۶/۷۸	۲/۶۸۸۹	۰/۰۰۰	۳۵۹	۳/۶۶۸	۲۴) عدم اعتماد مردم به یکدیگر ، حکومت، مسئولین مدرسه و آموزش و پرورش
بیست و هشتم	۳۷/۷۳	۲/۷۱۵۳	۰/۰۰۰	۳۵۹	۴/۲۵۰	۲۵) نهادینه شدن فرهنگ سکوت در جامعه
پانزدهم	۳۹/۵۵	۲/۷۹۳۱	۰/۰۰۰	۳۵۹	۵/۷۲۸	۲۶) عدم مسئولیت‌پذیری و نهادینه شدن فرهنگ حاشیه-نشینی و کناره‌گیری و انداختن بار مسئولیت به گردن دیگران
چهل و هشتم	۳۵/۵۳	۲/۶۳۶۱	۰/۰۰۸	۳۵۹	۲/۶۷۸	۲۷) خودکامگی افراد
سی و یکم	۳۷/۲۴	۲/۷۱۱۱	۰/۰۰۰	۳۵۹	۴/۳۳۵	۲۸) عادت به شرایط یکنواخت موجود و مقاومت در برابر تغییر
بیستم	۳۹/۱۸	۲/۸۰۴۲	۰/۰۰۰	۳۵۹	۶/۷۱۲	۲۹) متمرکز بودن نظام آموزش و پرورش
سی و هفتم	۳۶/۵۹	۲/۷۰۰۰	۰/۰۰۰	۳۵۹	۴/۲۹۲	۳۰) قوانین و مقررات دست و پاگیر
چهل و هفتم	۳۵/۴۰	۲/۶۳۸۹	۰/۰۰۲	۳۵۹	۳/۱۲۰	۳۱) تردید در مؤثر بودن مشارکت
نهم	۴۰/۹۴	۲/۸۷۶۴	۰/۰۰۰	۳۵۹	۸/۴۰۴	۳۲) ساختار طبقاتی جامعه در کشورهای جهان سوم و شکاف های اجتماعی بین والدین
هفتم	۴۱/۱۵	۲/۸۸۰۶	۰/۰۰۰	۳۵۹	۸/۴۵۴	۳۳) عدم تبلیغات مناسب توسط رسانه‌های عمومی در ترویج فرهنگ مشارکت در مدارس

ادامه‌ی جدول ۱: آزمون t تک نمونه‌ای برای مقایسه میانگین نمونه و جامعه و آزمون فریدمن

برای اولویت بندی موانع مشارکت

نتایج آزمون فریدمن		مقدار آزمون = ۵/۲				موانع مشارکت
اولویت بندی متغیرها	میانگین رتبه هر متغیر	میانگین	سطح معناداری (دودامنه)	درجه آزادی	T	
چهارم	۴۱/۹۱	۲/۹۰۴۲	۰/۰۰۰	۳۵۹	۸/۵۹۲	۳۴) ساختار نظام آموزشی کشور
ششم	۴۱/۳۳	۲/۸۷۵۰	۰/۰۰۰	۳۵۹	۸/۱۰۹	۳۵) عدم آگاهی والدین از پیامدها، نتایج احتمالی و فواید مترتب بر امر مشارکت در مدارس
سی و سوم	۳۶/۹۹	۲/۷۰۸۳	۰/۰۰۰	۳۵۹	۴/۵۲۶	۳۶) نبود شبکه‌های حمایتی و ترغیبی مثل دوستان و مدیر و مسئولین مدرسه در رابطه با مشارکت اولیا
چهاردهم	۳۹/۶۲	۲/۸۰۱۴	۰/۰۰۰	۳۵۹	۶/۴۴۰	۳۷) نبود انگیزه قوی در والدین برای کسب موفقیت در عرصه‌های مختلف اجتماعی و برآورده شدن نیازهای انسانی
دهم	۴۰/۷۹	۲/۸۷۰۸	۰/۰۰۰	۳۵۹	۷/۹۱۴	۳۸) نبودن مقدمات و پیش نیازهای ضروری از طرف دولت برای مشارکت مردمی و کمبود منابع لازم
شصت و ششم	۳۰/۰۱	۲/۳۹۰۳	۰/۰۲۸	۳۵۹	-/۲۰۲	۳۹) کثرت فرزندان
پنجم	۴۱/۸۱	۲/۹۱۸۱	۰/۰۰۰	۳۵۹	۸/۷۷۵	۴۰) وضعیت نامناسب اقتصادی خانواده‌ها
شصتم	۳۳/۱۲	۲/۵۴۴۴	۰/۳۴۳	۳۵۹	۰/۹۴۹	۴۱) استقبال کم مدیران و معلمان از مشارکت اولیا و همفکری و پیشنهادات آنها
سیزدهم	۳۹/۹۰	۲/۸۰۵۶	۰/۰۰۰	۳۵۹	۶/۳۶۴	۴۲) بی‌اطلاعی اولیا از وظایف خود
چهل و دوم	۳۵/۹۲	۲/۶۵۰۰	۰/۰۰۱	۳۵۹	۳/۲۶۷	۴۳) پائین بودن سطح تحصیلات والدین

ادامه‌ی جدول ۱: آزمون t تک نمونه‌ای برای مقایسه میانگین نمونه و جامعه و آزمون فریدمن

برای اولویت بندی موانع مشارکت

نتایج آزمون فریدمن		مقدار آزمون = ۵/۲				موانع مشارکت
اولویت بندی متغیرها	میانگین رتبه هر متغیر	میانگین	سطح معناداری (دودامنه)	درجه آزادی	T	
سی و نهم	۳۶/۳۰	۲/۶۷۹۲	۰/۰۰۰	۳۵۹	۳/۹۶۳	۴۴) کم بودن جلسات هم اندیشی والدین
چهارم	۳۶/۱۴	۲/۶۶۶۷	۰/۰۰۰	۳۵۹	۳/۶۵۰	۴۵) عدم استفاده از فناوری های نوین جهت برقراری ارتباطات و مشارکت
پنجاه و سوم	۳۴/۴۱	۲/۵۷۷۸	۰/۱۰۶	۳۵۹	۱/۶۱۹	۴۶) ویژگی‌های شخصی مدیران از جمله نداشتن حسن خلق، مهارت‌های انسانی و فنی، تفکر مشارکت و...
سی و دوم	۳۷/۱۸	۲/۷۰۹۷	۰/۰۰۰	۳۵۹	۴/۶۴۱	۴۷) عدم توجه والدین از نظر شرعی در خصوص ضرورت مشارکت آنها در امر تعلیم و تربیت فرزندان
بیست و چهارم	۳۸/۵۳	۲/۷۷۵۰	۰/۰۰۰	۳۵۹	۶/۱۴۶	۴۸) عدم وجود برنامه‌ریزی منظم و تشکیلاتی در نهادهای پیگیر
هشتم	۴۱/۰۹	۲/۸۶۹۴	۰/۰۰۰	۳۵۹	۸/۰۷۰	۴۹) کمبود نیروی متخصص در زمینه مشارکت‌های مردمی و والدین
شانزدهم	۳۹/۵۴	۲/۸۱۲۵	۰/۰۰۰	۳۵۹	۶/۴۰۰	۵۰) پشت گرمی به اعتبارات دولتی و نقص در قانون تحصیل رایگان و احساس طلب از دولت و انداختن همه بار مسئولیت بر دوش مدرسه
بیست و دوم	۳۸/۶۶	۲/۷۵۶۹	۰/۰۰۰	۳۵۹	۶/۰۱۹	۵۱) عدم توجه به تفاوت‌های والدین از نظر فرهنگی، تحصیلات، درآمد، موضع قدرت و...

ادامه‌ی جدول ۱: آزمون t تک نمونه‌ای برای مقایسه میانگین نمونه و جامعه و آزمون فریدمن

برای اولویت بندی موانع مشارکت

نتایج آزمون فریدمن		مقدار آزمون = ۵/۲				موانع مشارکت
اولویت بندی متغیرها	میانگین رتبه هر متغیر	میانگین	سطح معناداری (دودامنه)	درجه آزادی	T	
سی و پنجم	۳۶/۸۹	۲/۷۰۲۸	۰/۰۰۰	۳۵۹	۴/۴۶۸	۵۲) وجود ارتباطات یک طرفه فقط از جانب معلمان و مسئولین مدرسه جهت فراخواندن والدین به مشارکت
بیست و هفتم	۳۸/۰۳	۲/۷۴۷۲	۰/۰۰۰	۳۵۹	۵/۴۰۴	۵۳) تمایل والدین به مشارکت در خانه تا مدرسه
بیست و پنجم	۳۸/۳۶	۲/۷۶۸۱	۰/۰۰۰	۳۵۹	۶/۱۴۶	۵۴) مشارکت یکنواخت و غیررسمی و خلاصه شدن آن در چند مورد تکراری
بیست و هشتم	۳۸/۰۸	۲/۷۴۵۸	۰/۰۰۰	۳۵۹	۵/۴۸۶	۵۵) عدم توجه به احساس و نگرش دانش‌آموزان به مشارکت والدین آنها
هفدهم	۳۹/۴۶	۲/۸۱۶۷	۰/۰۰۰	۳۵۹	۶/۷۹۲	۵۶) عدم وجود یک نهاد اجرایی و نظارتی صحیح در رابطه با مشارکت والدین
پنجاهم	۳۵/۱۸	۲/۶۱۵۳	۰/۰۱۷	۳۵۹	۲/۳۹۳	۵۷) ساختار و منش نادرست خانوادگی
چهل و پنجم	۳۵/۵۴	۲/۶۳۸۹	۰/۰۰۲	۳۵۹	۳/۱۰۸	۵۸) تغییر جمعیت‌شناسی و فرهنگ خانواده‌ها و عدم شناخت آن
چهل و چهارم	۳۵/۶۴	۲/۶۳۰۶	۰/۰۰۶	۳۵۹	۲/۷۸۳	۵۹) کمبود فرصت جهت برخورد های غیر رسمی والدین و معلمان به دور از شرایط کاری
پنجاه و هشتم	۳۳/۷۹	۲/۵۶۳۹	۰/۱۵۹	۳۵۹	۱/۴۱۲	۶۰) احساس تردید و عدم قطعیت نسبت به وظایف تفویض شده و احساس تجاوز به قلمرو مدرسه از سوی والدین

ادامه‌ی جدول ۱: آزمون t تک نمونه‌ای برای مقایسه میانگین نمونه و جامعه و آزمون فریدمن
برای اولویت بندی موانع مشارکت

نتایج آزمون فریدمن		مقدار آزمون = ۵/۲				موانع مشارکت
اولویت بندی متغیرها	میانگین رتبه هر متغیر	میانگین	سطح معناداری (دودامنه)	درجه آزادی	T	
دوم	۴۲/۴۰	۲/۹۲۹۲	۰/۰۰۰	۳۵۹	۸/۵۹۲	۶۱) تغییرات سریع برنامه‌های درسی و آموزشی و عدم شناخت والدین و ناتوانی آنها در تطبیق با برنامه‌ها
چهارم و سوم	۳۵/۸۱	۲/۶۵۱۴	۰/۰۰۲	۳۵۹	۳/۱۷۷	۶۲) ترس مسئولین مدارس از مورد انتقاد قرار گرفتن توسط والدین
سی دوم	۳۷/۱۸	۲/۷۱۶۷	۰/۰۰۰	۳۵۹	۴/۷۲۶	۶۳) جو مدارس
یازدهم	۴۰/۳۶	۲/۸۱۹۴	۰/۰۰۰	۳۵۹	۶/۰۵۰	۶۴) مشکلات خانوادگی مثل طلاق، فوت پدر یا مادر، اختلافات خانوادگی و...
بیست و یکم	۳۸/۶۸	۲/۷۶۳۹	۰/۰۰۰	۳۵۹	۵/۲۸۷	۶۵) وجود اختلاف نظر و عدم تفاهم بین والدین مشارکت کننده در مدارس
هجدهم	۳۹/۲۷	۲/۸۰۵۶	۰/۰۰۰	۳۵۹	۶/۴۰۲	۶۶) توجه والدین به ظواهر به جای تمرکز بر کیفیت آموزش و پرورش
بیست و نهم	۳۷/۵۷	۲/۷۱۶۷	۰/۰۰۰	۳۵۹	۴/۳۷۸	۶۷) تفاوت‌های فرهنگی و طبقاتی والدین و برخورد تبعیض آمیز مسئولین مدارس با والدین
چهارم و هشتم	۳۵/۳۱	۲/۶۲۵۰	۰/۰۰۷	۳۵۹	۲/۷۲۸	۶۸) وجود رویکرد عدم دخالت والدین در امر تدریس
سی و هشتم	۳۶/۳۳	۲/۶۸۱۹	۰/۰۰۰	۳۵۹	۳/۶۶۶	۶۹) ایفا کردن نقش بهانه‌جویی والدین در مدارس به جای مشارکت
شصت و پنجم	۳۰/۳۳	۲/۴۲۶۴	۰/۱۳۰	۳۵۹	۱/۵۱۶	۷۰) نارضایتی والدین از معلم و سایر مسئولین مدرسه و بدبینی نسبت به آنها

ادامه‌ی جدول ۱: آزمون t تک نمونه‌ای برای مقایسه میانگین نمونه و جامعه و آزمون فریدمن برای اولویت بندی موانع مشارکت

نتایج آزمون فریدمن		مقدار آزمون = ۵/۲				موانع مشارکت
اولویت بندی متغیرها	میانگین رتبه هر متغیر	میانگین	سطح معناداری (دودامنه)	درجه آزادی	T	
پنجاه و یکم	۳۵/۱۱	۲/۶۲۰۸	۰/۰۰۸	۳۵۹	۲/۶۷۶	(۷۱) عدم استقبال مناسب مسئولان مدارس از انتقادات و پیشنهادات والدین
چهل و یکم	۳۵/۹۹	۲/۶۷۳۶	۰/۰۰۰	۳۵۹	۳/۹۰۵	(۷۲) اعتماد بیش از حد به مدارس و عدم احساس نیاز به مشارکت در مدرسه

بر اساس نتایجی که در جدول شماره ۱ ارائه شده است. در مورد موانعی چون " مشارکت ندادن والدین در تصمیم‌گیری‌های مدرسه"، " ناکافی بودن ارائه اطلاعات عینی درباره وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان و کمبودها و کاستی‌های مدرسه توسط مسئولین مدرسه به والدین"، " پایین‌تر بودن سطح تحصیلات والدین نسبت به معلمان و بالعکس"، " عدم تواناسازی والدین در جهت مشارکت در امور مدارس"، " تفاوت بین نگرش، فرهنگ، زبان، جنسیت و... والدین و معلمان و درک متقابل مشارکت"، " نبود فضای مناسب و زمان مناسب جهت پذیرش اولیاء در مدرسه به نحو مطلوب و مؤثر"، " کمبود تحقیقات لازم در زمینه نحوه‌ی اداره جلسات، محتوای برنامه‌ها، ارزشیابی و روش‌های نوین ارتباط و مشارکت اولیا و مربیان"، " نبود یک رابط و میانجی بین والدین و مسئولین مدرسه"، " استقبال کم مدیران و معلمان از مشارکت اولیا و همفکری و پیشنهادات آنها"، " احساس تردید و عدم قطعیت نسبت به وظایف تفویض شده و احساس تجاوز به قلمرو مدرسه از سوی والدین"، " نارضایتی والدین از معلم و سایر مسئولین مدرسه و بدبینی نسبت به آنها"، از آنجایی که سطح معناداری بزرگتر از ۰.۵ است فرض صفر مبنی بر عدم تفاوت بین میانگین نمونه و میانگین جامعه (نظری) رد نمی‌شود و میزان تأثیر و اهمیت این موانع از نظر پاسخ‌دهندگان برابر یا نزدیک به میانگین فرضی (۲/۵) است. اما در مورد سایر گویه‌ها یا موانع، چون سطح معناداری کمتر از ۰.۵ است باید گفت فرض صفر رد می‌شود یعنی میانگین نظر پاسخ‌دهندگان تفاوت معناداری با میانگین فرضی دارد. به جز موانعی چون " برخورد ناصحیح کادر آموزشی و مسئولین مدرسه با والدین"، " پیش‌داوری و

نگرش منفی و برخورد بد معلمان با والدین بی‌سواد و مقصر دانستن آنان در شکست‌های تحصیلی و تربیتی دانش‌آموزان"، "پایین‌تر بودن سطح تحصیلات والدین نسبت به معلمان و بالعکس"، "برگزاری جلسات مدرسه برای اولیا در محیطی خشک و رسمی که اولیا هیچ نقشی در تنظیم محتوای آن نداشته و متناسب با نیازها و انتظارات آنان نمی‌باشد"، "عدم حضور معلمان در جلسات اولیا و مربیان"، "تجربیات قبلی و ذهنیت منفی والدین نسبت به مدرسه"، "نبود یک رابط و میانجی بین والدین و مسئولین مدرسه"، "کثرت فرزندان"، "نارضایتی والدین از معلم و سایر مسئولین مدرسه و بدبینی نسبت به آنها" میزان اهمیت سایر موانع از نظر پاسخ‌دهندگان بالاتر از سطح میانگین فرضی (۲/۵) برآورد شده است.

با توجه به نتایج آزمون فریدمن چون مقدار سطح معناداری .../ کمتر از ۰.۵/ بود نشان می‌دهد اهمیت این موانع از نظر پاسخ‌دهندگان یکسان نیست و با توجه به میانگین رتبه‌ی هریک از متغیرها که در جدول شماره ۱ عنوان شده است، از نظر پاسخ‌دهندگان، موانعی چون "عدم شناخت اولیاء از اهداف و کارکردهای مدرسه"، "تغییرات سریع برنامه‌های درسی و آموزشی و عدم شناخت والدین و ناتوانی آنها در تطبیق با برنامه‌ها"، "کمبود وقت والدین، شاغل بودن، فاصله و درگیر بودن با کارهای روزمره"، از بالاترین درجه اهمیت برخوردار هستند و موانعی چون "برخورد ناصحیح کادر آموزشی و مسئولین مدرسه با والدین"، "پیش‌داوری و نگرش منفی و برخورد بد معلمان با والدین بی‌سواد و مقصر دانستن آنان در شکست‌های تحصیلی و تربیتی دانش‌آموزان"، "تجربیات قبلی و ذهنیت منفی والدین نسبت به مدرسه" از پایین‌ترین درجه اهمیت و تأثیرگذاری در امر مشارکت والدین در امور مدارس برخوردار هستند.

جدول ۲: اولویت بندی مؤلفه های موانع مشارکت والدین در مدارس شهر سمنان به تفکیک

توسط مدیران، معلمان و والدین

تعداد نمونه = ۱۶ آماره کای دو = ۱۲۸/۱۵۴ درجه آزادی = ۷۱ سطح معناداری = ۰/۰۰۰		تعداد نمونه = ۱۳۸ آماره کای دو = ۸۱۹/۵۰۸ درجه آزادی = ۷۱ سطح معناداری = ۰/۰۰۰		تعداد نمونه = ۲۰۶ آماره کای دو = ۵۱۷/۰۱۲ درجه آزادی = ۷۱ سطح معناداری = ۰/۰۰۰	
اولویت بندی توسط مدیران		اولویت بندی توسط معلمان		اولویت بندی توسط والدین	
میانگین رتبه هر متغیر	اولویت بندی متغیرها	میانگین رتبه هر متغیر	اولویت بندی متغیرها	میانگین رتبه هر متغیر	اولویت بندی متغیرها
۵۵/۲۸	کمبود وقت والدین، شاغل بودن، فاصله و درگیر بودن با کارهای روزمره	۴۵/۷۰	مشکلات خانوادگی مثل طلاق، فوت پدر یا مادر، اختلافات خانوادگی و...	۴۴/۷۷	تغییرات سریع برنامه‌های درسی و آموزشی و عدم شناخت والدین و ناتوانی آنها در تطبیق با برنامه‌ها
۵۱/۲۲	بی اطلاعی اولیا از وظایف خود	۴۵/۱۴	کمبود وقت والدین، شاغل بودن، فاصله و درگیر بودن با کارهای روزمره	۴۲/۴۳	وضعیت نامناسب اقتصادی خانواده-ها
۴۷/۶۲	متمرکز بودن نظام آموزش و پرورش	۴۴/۸۳	عدم شناخت اولیاء از اهداف و کارکردهای مدرسه	۴۲/۱۷	ساختار نظام آموزشی کشور
۴۵/۲۸	ساختار نظام آموزشی کشور	۴۴/۴۸	نگرش و خودکم بینی والدین به خصوص در طبقات اجتماعی - اقتصادی پایین مبنی بر غیر مؤثر و کم رنگ بودن نقش آنان در امور تحصیلی فرزندان	۴۲/۰۱	کمبود نیروی متخصص در زمینه مشارکت های مردمی و والدین
۴۴/۹۱	نبودن مقدمات و پیش نیازهای ضروری از طرف دولت برای مشارکت مردمی و کمبود منابع لازم	۴۳/۳۹	وجود اختلاف نظر و عدم تفاهم بین والدین مشارکت کننده در مدارس	۴۱/۷۸	نبودن مقدمات و پیش نیازهای ضروری از طرف دولت برای مشارکت مردمی و کمبود منابع لازم

ادامه‌ی جدول ۲: اولویت بندی مؤلفه‌های موانع مشارکت والدین در مدارس شهر سمنان به

تفکیک توسط مدیران، معلمان و والدین

تعداد نمونه = ۱۶ آماره کای دو = ۱۲۸/۱۵۴ درجه آزادی = ۷۱ سطح معناداری = ۰/۰۰۰		تعداد نمونه = ۱۳۸ آماره کای دو = ۸۱۹/۵۰۸ درجه آزادی = ۷۱ سطح معناداری = ۰/۰۰۰		تعداد نمونه = ۲۰۶ آماره کای دو = ۵۱۷/۰۱۲ درجه آزادی = ۷۱ سطح معناداری = ۰/۰۰۰	
اولویت بندی توسط مدیران		اولویت بندی توسط معلمان		اولویت بندی توسط والدین	
میانگین رتبه هر متغیر	اولویت بندی متغیرها	میانگین رتبه هر متغیر	اولویت بندی متغیرها	میانگین رتبه هر متغیر	اولویت بندی متغیرها
۴۴/۴۷	عدم وجود یک نهاد اجرایی و نظارتی صحیح در رابطه با مشارکت والدین	۴۳/۳۵	عدم آگاهی والدین از پیامدها، نتایج احتمالی و فواید مترتب بر امر مشارکت در مدارس	۴۱/۷۲	ساختار طبقاتی جامعه در کشورهای جهان سوم و شکاف‌های اجتماعی بین والدین
۴۳/۵۰	عدم مسئولیت پذیری و نهادینه شدن فرهنگ حاشیه نشینی و کناره گیری و انداختن بار مسئولیت به گردن دیگران	۴۲/۸۹	نبود انگیزه قوی در والدین برای کسب موفقیت در عرصه‌های مختلف اجتماعی و برآورده شدن نیازهای انسانی	۴۱/۳۸	عدم شناخت اولیاء از اهداف و کارکردهای مدرسه
۴۳/۴۷	عدم شناخت اولیاء از اهداف و کارکردهای مدرسه	۴۲/۸۰	توجه والدین به ظواهر به جای تمرکز بر کیفیت آموزش و پرورش	۴۱/۱۹	عدم تبلیغات مناسب توسط رسانه‌های عمومی در ترویج فرهنگ مشارکت در مدارس
۴۳/۴۴	پشت گرمی به اعتبارات دولتی و نقص در قانون تحصیل رایگان و احساس طلب از دولت و انداختن همه بار مسئولیت بردوش مدرسه	۴۲/۵۴	نهادینه نشدن فرهنگ مشارکت	۴۰/۴۱	عدم آگاهی والدین از پیامدها، نتایج احتمالی و فواید مترتب بر امر مشارکت در مدارس
۴۱/۹۴	عدم تواناسازی والدین در جهت مشارکت در امور مدارس	۴۲/۴۱	عدم شناخت و تفهیم انتظارات والدین از مدرسه و مدرسه از والدین	۳۹/۹۴	عدم وجود برنامه ریزی منظم و تشکیلاتی در نهادهای پیگیر

با توجه به نتایج آزمون فریدمن که در جدول ۲ ارائه شده است، چون مقدار سطح معناداری در مورد هر سه گروه مدیران، معلمان و والدین (.../.) کمتر از ۰.۵ می‌باشد، نشان می‌دهد، از نظر پاسخ‌دهندگان، میزان تأثیر و اهمیت موانع مشارکت مورد نظر پژوهش، یکسان نیست و با توجه به میانگین رتبه‌ی هر یک از متغیرها که در جدول ۲ عنوان شده است، از نظر مدیران، به ترتیب اولویت، موانعی چون " کمبود وقت والدین، شاغل بودن، فاصله و درگیر بودن با کارهای روزمره"، " بی‌اطلاعی اولیا از وظایف خود"، " متمرکز بودن نظام آموزش و پرورش" و از نظر معلمان موانعی چون " مشکلات خانوادگی مثل طلاق، فوت پدر یا مادر، اختلافات خانوادگی و..."، " کمبود وقت والدین، شاغل بودن، فاصله و درگیر بودن با کارهای روزمره" و " عدم شناخت اولیاء از اهداف و کارکردهای مدرسه" و از نظر والدین موانعی چون " تغییرات سریع برنامه‌های درسی و آموزشی و عدم شناخت والدین و ناتوانی آنها در تطبیق با برنامه‌ها"، " وضعیت نامناسب اقتصادی خانواده‌ها" و " ساختار نظام آموزشی کشور" از بالاترین درجه تأثیرگذاری و اهمیت برخوردار هستند. همان طور که نتایج نشان می‌دهد، هر سه گروه مدیران و معلمان و والدین "عدم شناخت اولیاء از اهداف و کارکردهای مدرسه" و "عدم نهادینه‌سازی فرهنگ مشارکت در جامعه" را در ده اولویت اول خود قرار داده‌اند و از مهمترین موانع مشارکت والدین می‌دانند. همچنین مدیران و والدین به اتفاق "ساختار نظام آموزشی کشور" و "نبودن مقدمات و پیش‌نیازهای ضروری از طرف دولت برای مشارکت مردمی و کمبود منابع لازم" را در ده اولویت اول خود قرار داده‌اند.

بحث و نتیجه گیری

مدرسه، یکی از نهادهای تربیتی و آموزشی مهم است که نیازمند مشارکت اولیای دانش-آموزان و دیگر سازمان‌هاست. شماری از نظریه‌پردازان بر این باورند که بیشتر کارهای مردم در سراسر جهان بر محور مشارکت می‌گردد و جلب همکاری خانواده نیز از عوامل لازم مدیریت آموزشی است (کاظمی کرد آسیایی، ۱۳۸۳). یکی از مشخصه‌های مدارس موفق استفاده حداکثری از مشارکت والدین است. به همین دلیل است که در کشورهای توسعه یافته، همکاری میان خانه و مدرسه به صورتی منسجم درآمد و این دو نهاد، مسئولیت مشترک خویش، یعنی تربیت فرزندان جامعه را با همفکری، همکاری و هماهنگی انجام می‌دهند. به طور کلی سهیم کردن خانواده‌ها در آموزش و پرورش موجب افزایش اطلاعات و آگاهی افراد، گسترش مشارکت در سایر زمینه‌های اجتماعی، افزایش احساس همبستگی با سایر والدین، احساس یگانگی بیشتر

با سازمان، اعتماد افراد به سازمان‌ها، کاهش هزینه‌های فردی و سازمانی و افزایش اثربخشی سازمانی خواهد شد (زنجانی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰).

بر اساس یافته‌های این پژوهش عوامل بسیاری شناسایی گردید که هر یک می‌توانند همچون مانعی بر سر راه مشارکت مؤثر والدین در امور مدارس باشند و تعلیم و تربیت را از توسعه و رسیدن به اهداف عالی خود باز دارند. موانع شناسایی شده در این پژوهش، از نظر مدیران، معلمان و والدین دانش‌آموزان در مدارس مقطع ابتدایی شهر سمنان نیز مهم و مؤثر تلقی گردیدند و طبق ارزیابی نظرات آنان موانعی همچون "عدم شناخت اولیاء از اهداف و کارکردهای مدرسه"، "تغییرات سریع برنامه‌های درسی و آموزشی و عدم شناخت والدین و ناتوانی آنها در تطبیق با برنامه‌ها"، "کمبود وقت والدین، شاغل بودن، فاصله و درگیر بودن با کارهای روزمره"، "ساختار نظام آموزشی کشور"، "وضعیت نامناسب اقتصادی خانواده‌ها"، "عدم آگاهی والدین از پیامدها، نتایج احتمالی و فواید مترتب بر امر مشارکت در مدارس"، "عدم تبلیغات مناسب توسط رسانه‌های عمومی در ترویج فرهنگ مشارکت در مدارس"، به ترتیب از مهمترین موانع مشارکت والدین هستند. یافته‌های پژوهش با نتایج پژوهش بهبودی (۱۳۸۷)، بلیک هورانی (۲۰۱۲)^۱، اسمیت (۲۰۰۷)^۲، زنجانی‌زاده، دانائی سیج و سلیمی‌نژاد (۱۳۹۰)، امیراحمدی (۱۳۸۸)، هوتچینز (۲۰۱۱)^۳، ال. بیکر (۱۹۹۷)^۴، اسمیت (۲۰۰۱)، سلیبسیک (۲۰۱۰)^۵، یزدخواستی و عباس‌زاده (۱۳۸۶)، (مرتضوی‌زاده، پیوند ۴۴)، دسفورگس و ابوچار (۲۰۰۳)^۶، ال ای آ (۲۰۱۲)^۷، سپهری (۱۳۷۲)، افضل‌خانی و عبدی پاکروان (۱۳۹۲)، جیکسین (۲۰۱۱)^۸، دهاس (۲۰۰۰)^۹، واحدی (۲۰۱۰)، زنجانی‌زاده، دانائی افضل‌خانی و عبدی پاکروان (۱۳۹۲)، متین (۱۳۸۲)، ایسایا (۲۰۱۳) همسو است. همچنین نتایجی که از مصاحبه‌های انجام شده با مدیران، معلمان و والدین به دست آمده است، یافته‌های پژوهش را تأیید می‌نماید. مهمترین موانع موجود برای مشارکت والدین در مدارس مقطع ابتدایی شهر سمنان عبارتند از:

1. Blaik Hourani

2. Smit

3. Hutchins

4. L. Baker

5. ČELEBIĆIĆ

6. Desforges and Abouchaar

7. LEA

8. Jiixin

9. DeHass

۱) عدم شناخت اولیاء از اهداف و کارکردهای مدرسه که در پژوهش‌های بهبودی (۱۳۸۷)، بلیک هورانی (۲۰۱۲) و اسمیت (۲۰۰۷) مورد تأکید قرار گرفته است.

۲) تغییرات سریع برنامه‌های درسی و آموزشی و عدم شناخت والدین و ناتوانی آنها در تطبیق با برنامه‌ها که با یافته‌های بلیک هورانی (۲۰۱۲) همخوانی دارد.

۳) کمبود وقت والدین، شاغل بودن، فاصله و درگیر بودن با کارهای روزمره که در پژوهش‌های بهبودی (۱۳۸۷)، زنجانی‌زاده، دانائی سیج و سلیمی‌نژاد (۱۳۹۰)، امیراحمدی (۱۳۸۸)، هوتچینز (۲۰۱۱)، بلیک هورانی (۲۰۱۲)، ال بیکر^۱ (۱۹۹۷)، اسمیت (۲۰۰۷) و نتایج مصاحبه‌هایی که انجام شد مورد تأکید قرار گرفته است.

بلیک هورانی (۲۰۱۲) در پژوهشی عدم شناخت اولیاء از اهداف و کارکردهای مدرسه را یکی از موانع مهم بر سر راه مشارکت والدین عنوان کرده است. وی بیان کرده است، فهم متفاوت از نقش‌های مناسب برای معلمان و والدین و باورهای مختلف والدین و مسئولین مدارس از اهداف و بروندادهای مدارس مانعی برای گفتگوها و همکاری بین والدین و مسئولین مدارس است. همچنین وی تغییرات سریع برنامه‌های درسی و آموزشی و عدم شناخت والدین و ناتوانی آنها در تطبیق با برنامه‌ها را نیز از موانع مشارکت عنوان کرده است.

همچنین بر اساس نتایجی که از اولویت‌بندی موانع مشارکت والدین در مدارس سمنان در وضعیت موجود به تفکیک پاسخ‌های سه گروه مدیران، معلمان و والدین به دست آمده است، از نظر مدیران، به ترتیب اولویت، موانعی چون " کمبود وقت والدین، شاغل بودن، فاصله و درگیر بودن با کارهای روزمره"، "بی‌اطلاعی اولیا از وظایف خود"، "متمرکز بودن نظام آموزش و پرورش" و از نظر معلمان موانعی چون " مشکلات خانوادگی مثل طلاق، فوت پدر یا مادر، اختلافات خانوادگی و..."، "کمبود وقت والدین، شاغل بودن، فاصله و درگیر بودن با کارهای روزمره" و "عدم شناخت اولیاء از اهداف و کارکردهای مدرسه" و از نظر والدین موانعی چون "تغییرات سریع برنامه‌های درسی و آموزشی و عدم شناخت والدین و ناتوانی آنها در تطبیق با برنامه‌ها"، "وضعیت نامناسب اقتصادی خانواده‌ها" و "ساختار نظام آموزشی کشور" از بالاترین درجه تأثیرگذاری و اهمیت برخوردار هستند.

همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، هر سه گروه مدیران و معلمان و والدین "عدم شناخت اولیاء از اهداف و کارکردهای مدرسه" و "عدم نهاده‌سازی فرهنگ مشارکت در جامعه" را در ده اولویت اول خود قرار داده‌اند و از مهمترین موانع مشارکت والدین می‌دانند. همچنین مدیران و والدین به اتفاق "ساختار نظام آموزشی کشور" و "نبودن مقدمات و پیش‌نیازهای ضروری از

¹. L. Baker

طرف دولت برای مشارکت مردمی و کمبود منابع لازم" را در ده اولویت اول خود قرار داده‌اند. مدیران و معلمان به اتفاق " کمبود وقت والدین، شاغل بودن، فاصله و درگیر بودن با کارهای روزمره" را از مهمترین موانع دانسته و آن را در ده اولویت اول خود قرار داده‌اند. معلمان و والدین به اتفاق "عدم آگاهی والدین از پیامدها، نتایج احتمالی و فواید مترتب بر امر مشارکت در مدارس" را در ده اولویت اول خود قرار داده‌اند. با توجه به این نتایج می‌توان گفت، هر سه گروه مدیران، معلمان و والدین در مورد مهمترین موانع مشارکت والدین با هم اتفاق نظر دارند که این اهمیت و تأثیرگذاری این موانع را بیشتر آشکار می‌سازد.

با توجه به یافته‌های این پژوهش و سایر پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده است، می‌توان دریافت، علیرغم آنکه والدین نقش بسیار مهمی در رشد تحصیلی و تربیتی فرزندان خود دارند و مشارکت و همکاری آنها با مدیران و معلمان مدارس می‌تواند تسریع‌بخش دستیابی به اهداف عالی آموزش و پرورش و اجرای صحیح و به موقع برنامه‌های آموزشی و تربیتی باشد، همواره عواملی وجود داشته است که مانع از این امر مهم می‌گردد. بنابراین اگر بخواهیم والدین را تشویق نماییم تا با شیوه‌ای مؤثرتر و کارآمدتر در تعلیم و تربیت فرزندان خود مشارکت کنند، لازم است مسئولین امر با کمک پژوهشگران موانع مهم مشارکت والدین را شناسایی کرده و در جهت رفع آنها اقدام نمایند.

بلیک هورانی (۲۰۱۲) در پژوهشی عنوان کرده است، والدین و معلمان باور و درک متفاوتی نسبت به اهداف آموزشی دارند، همچنین بیشتر مدیران، معلمان و والدین امکان دارد اهداف متفاوتی برای مشارکت والدین در نظر داشته باشند و به این دلیل تعریف مشترکی در این رابطه وجود ندارد و این خودش باعث عدم درک مشترکی از مشارکت والدین می‌شود. همچنین بر اساس مصاحبه‌های انجام شده، والدین تغییرات سریع برنامه‌های درسی و آموزشی را یکی از محدودیت‌های مهم در زمینه مشارکت خود در امور مدارس عنوان کرده‌اند و خواستار کارگاه‌های آموزشی در این زمینه بودند که با یافته‌های این پژوهش مطابقت دارد.

علاوه بر این نتایج به دست آمده با یافته‌های پژوهشی هوتچینز (۲۰۱۱)، زنجانی‌زاده، دانائی سیچ و سلیمی‌نژاد (۱۳۹۰) و اسمیت (۲۰۰۷) که شاغل بودن مادران، کمبود وقت، کارهای پر مشغله والدین و زیاد بودن فاصله خانه تا مدرسه را از موانع عمده مشارکت والدین در امور مدارس عنوان کرده‌اند، همخوانی دارد. همچنین زنجانی‌زاده، دانائی سیچ و سلیمی‌نژاد (۱۳۹۰) در پژوهشی عنوان کردند که مشارکت فعال خانواده‌ها در مدارس با مشکلات متعددی روبروست و برخی از این مشکلات به ساختارهای نظام آموزشی کشور برمی‌گردد به طوری که

- اگر ساختار مدارس به ساختار مدرسه‌محور یا هیئت امنایی تغییر یابد احتمال مشارکت نیز بالا می‌رود و این نتایج با یافته‌های پژوهش حاضر مطابقت دارد.
- بر اساس یافته‌های این پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:
۱. والدین از طریق رسانه‌های عمومی و برگزاری جلسات آموزشی با حضور مسئولین مدارس با اهداف و کارکردهای مدرسه آشنا شوند.
 ۲. با توجه به تغییرات سریع برنامه‌های درسی و آموزشی و عدم شناخت والدین و ناتوانی آنها در تطبیق با برنامه‌ها بهتر است مسئولیت آموزش دانش‌آموزان بر عهده معلمان باشد و والدین بیشتر در زمینه مسائل تربیتی فرزندان مشارکت کنند و در صورت لزوم و با تشخیص معلمان در امور آموزشی مشارکت کنند.
 ۳. شایسته است با فرهنگ‌سازی صحیح در جامعه از طریق مراجع دینی، رسانه‌ها، کتاب‌ها، سمینارها و کارگاه‌های آموزشی و... این مهم بین والدین و سایر افراد جامعه نهادینه شود که کمبود وقت والدین، شاغل بودن، فاصله و درگیر بودن با کارهای روزمره هیچ کدام نباید بهانه‌ای برای عدم مشارکت آنها در امور تعلیم و تربیت فرزندان باشد و مشارکت در امور آموزشی و تربیتی فرزندان باید در درجه اول اهمیت قرار گیرد.
 ۴. وجود نیروی متخصص و آموزش دیده که به عنوان یک رابط و هماهنگ کننده برنامه‌ها و فعالیت‌ها بین مدارس و والدین و سازمان آموزش و پرورش عمل کند و با انجام بررسی‌ها و تحقیقاتی در این زمینه مسئولین و والدین را در مورد اصلاح و تجدید نظر در برخی مقررات، روابط و فعالیت‌ها جهت رفع موانع و افزایش مشارکت اثربخش اولیاء در مدارس مجاب نماید، می‌تواند مفید و مؤثر باشد.
 ۵. برگزاری کارگاه‌ها و جلسات آموزش خانواده برای آگاهی خانواده‌ها از اهداف و انتظارات مدرسه، وظایف والدین در قبال فرزندان، نحوه مشارکت مؤثر در امور تعلیم و تربیت و پیامدها و فواید آن بسیار مفید و کارساز است. البته در صورتی که این جلسات به طور صحیح و متناسب با نیازهای آموزشی و تربیتی دانش‌آموزان و والدین برنامه‌ریزی شود. مباحث اقتصادی در آن مطرح نگردد. احترام و منزلت والدین حفظ گردد، از آنان نظرخواهی به عمل آمده و نظرات شایسته و مفید آنها را به مرحله اجرا درآورند.
 ۶. برگزاری کارگاه‌ها و جلسات آموزشی برای معلمان و مسئولان مدرسه، جهت آشنایی آنان با اهداف مدرسه، انتظارات اولیاء، نحوه برقراری ارتباط مؤثر با والدین و کمک گرفتن از آنان در امور آموزشی و تربیتی دانش‌آموزان می‌توان مفید و اثربخش باشد به شرط آنکه این جلسات

درست برنامه‌ریزی شود و مستقیماً به موضوع مربوط بپردازد، شأن و منزلت معلمان حفظ شود و از نظرات شایسته آنان استفاده گردد.



منابع

- افضل‌خانی، مریم و عبدی پاکروان، مژگان (۱۳۹۲). بررسی شیوه‌های بهینه در مشارکت اثربخش اولیا و مردم در مدارس. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۱۰(۲)، ۱۴۶-۱۳۷.
- امیر احمدی آهنگ، مهدی (۱۳۸۸). همدلی اولیاء و مربیان ضرورتی انکارناپذیر. پیوند، نشریه ماهانه تربیتی-آموزشی، ۲۹-۲۶.
- بازرگان، زهرا (۱۳۷۵). روش‌های نوین مشارکت اولیاء در آموزش و پرورش. مجله روانشناسی و علوم تربیتی، شماره ۴-۱، ۱۰۱-۸۵.
- بهبودی، هایده (۱۳۸۷). اهمیت مشارکت والدین در فعالیت‌های مدرسه. تعلیم و تربیت استثنایی، ۸۷، ۷۰-۶۵.
- جهانیان، رمضان (۱۳۸۸). راهکارهای توسعه مشارکت در واحدهای آموزش از دیدگاه مدیران مدارس شهر تهران. فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی، ۱(۱)، ۱۳۰-۱۱۴.
- زنجانی‌زاده، همای؛ دانائی سیج، مجید و سلیمی‌نژاد، مهدی (۱۳۹۰). بررسی میزان مشارکت خانواده‌ها در مدارس استان خراسان رضوی و عوامل مؤثر بر آن. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، ۱(۱)، ۱۰۱-۷۱.
- سپهری، حسین (۱۳۷۳). بررسی راه‌های جلب مشارکت مردمی در امور آموزش و پرورش. (پایان‌نامه چاپ نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- متین، نعمت‌الله (۱۳۸۲). بررسی چگونگی راه‌های حصول مشارکت‌های مردمی در مدرسه‌سازی سازمان‌نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور، ۱۹۵-۱۹۲.
- مرتضوی زاده، سیدحشمت‌الله (۱۳۸۲). خانواده و افت تحصیلی. نشریه ماهانه تربیتی-آموزشی پیوند، ۲۸۸، ۴۹-۴۲.
- یزد خواستی، بهجت و عباس‌زاده، محمد (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت والدین دانش‌آموزان مقطع متوسطه استان آذربایجان شرقی. مجله دانشگاه شهید چمران اهواز، ۳(۱۴)، ۶۲-۴۵. علوم تربیتی و روان‌شناسی
- رحمانی، رامین (۱۳۸۱). نقش تکالیف شب در یادگیری دانش‌آموزان با تأکید بر نقش والدین. نشریه ماهانه تربیتی-آموزشی پیوند، ۲۸۰، ۴۷-۳۸.
- Ajayi, I.; Haastrup, A., and Ekundayo, T. (2009). Parents' involvement in school administration as a correlate of effectiveness of secondary schools in Nigeria. *Journal of Education Administration and Policy Studies*, 1(3), 41-46.

- Baker, Amy, J. L. (1997). Improving Parent Involvement Programs and Practice: A Qualitative Study of Parent Perceptions. *School Community Journal*, 7(1), 127-153.
- Barge, J. D. (2013). *SYSTEMIC FAMILY ENGAGEMENT: A Comprehensive Guide to Implementing an Effective Title Parental Involvement Program*. State School Superintendent.
- Blaik Hourani, R.; Stringer, P., and Baker, F. (2012). Constraints and Subsequent Limitations to Parental Involvement in Primary Schools in Abu Dhabi: Stakeholders' Perspectives. *School Community Journal*, 22(2), 131-160
- ČELEBIČIĆ, I. (2010). *SCHOOL BASED ACTION-RESEARCH IN BOSNIA AND HERZEGOVINA*, MSc, proMENTE Social research.
- Chen, J. (2011). *First year high school students' perception of parental involvement in education in a rural area of Heilongjiang province in China*. The HKU Scholars Hub, The University of Hong Kong.
- Darcy, J. H., Croninger, R., Epstein, J., Hughes, S., Hultgren, F., Malen, B., Valli, L. (2011). *PARENT INVOLVEMENT IN MIDDLE SCHOOL: CULTIVATING COMPREHENSIVE AND INCLUSIVE PROGRAMS OF PARTNERSHIP*. Department of Education Policy Studies.
- Desforges, Ch., and Abouchaar, A. (2003). *The Impact of Parental Involvement, Parental Support and Family Education on Pupil Achievements and Adjustment: A Literature Review*, Department for Education and Skills.
- Dhingra, R.; Manhas, S., and Sethi, N. (2007). Involvement of Parents in School Related Activities. *J. Soc. Sci.*, 15(2), 161-167.
- Giacobbe, M.; Moscoloni, N.; Bolis, N., & Díaz, J. (2007). The educational community and the school: A case study, by means of the combination of different techniques, of a public secondary school in Argentina. *Revista Electrónica de Investigación Educativa*, 9 (1).
- Gökalp, M., and Barut, Y., and Mentese, S. (2010). Pre-school education and the effects of the relations between parents and teachers on pre-school age children (Ordu Centrum). *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 9, 203-212.
- Gonzalez-DeHass, A. R., and Willems, P. P. (2000). Examining the Underutilization of Parent Involvement in the Schools. *School Community Journal*, 58-100.
- Ivan Rosas, S. (2009). *The Participation of Low-Income and Immigrant Mexican Parents in the Lives of High School Children*. Stanford University.
- Smit, F.; Driessen, G.; Sluiter, R., and Slegers, P. (2007). Types of parents and school strategies aimed at the creation of effective partnerships. *International Journal about Parents in Education*, 1, 45-52.

Smit, F.; van d., Wolf, K., & Slegers, P. (2001). *A Bridge to the Future Collaboration between Parents, Schools and Communities*. Institute for Applied Social Sciences. UNIVERSITY NIJMEGEN, SCO-KOHNSTAMM INSTITUTE.

Steven, R. H., and Daniel, J. B. (1998). Parent Involvement: The Key To Improved Student Achievement. *School Community Journal*, 8(2), 219-228.

Vahedi, M. (2010). A study of parents' participation in the high schools administration and its effect on school activities. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 2, 359-363.

Vahedi, M., and Nikdel, H. (2011). Emotional intelligence, parental involvement and academic achievement. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 30, 331 - 335.

